

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۶
بلبل

ماهنامه الکترونیکس خبری - تحلیلی بلبل
سال هشتم | شماره هشتاد و ششم | اسفند ماه ۱۴۰۱

۲ فهرست

۳ طلّیعه سخن

۴ پیام ها و بیانیّه ها

۶ دیدارها

۸ سخنرانی ها

۱۰ گزارش تصویری

۱۲ تصویر سازی

۱۶ یادداشت

۲۰ پرونده ویژه

۲۴ معرفی کتاب

۲۶ معارف اسلامی

۳۰ سؤالات شرعی

۳۲ تصویر - درختکاری

MAKAREM.IR

طلّیعه سخن

خداوند هستی مطلق است و هیچ گونه عدم و محدودیت در آن راه ندارد و هستی های کوچک و محدود را می آفریند، احساس ما از خداوند متعال معنایی است که در فطرت شکل می گیرد و در قالب مفهوم حق تنزل می یابد؛ حقی که در جهان متجلی است؛ آری خدا حق است یعنی آنچه که هست و ضرورتاً از نظر فلسفی و منطقی باید باشد.

حق در جهان چه در بعد تاریخی و چه در بعد تکوینی متجلی است؛ تمام زمین و آسمان حق است و به حق خلق شده اند: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» [۱] و از آنجا که به حق خلق شده اند لذا حتماً به سوی یک مقصدی روان است در غیر این صورت عبث خواهد بود.

بنابراین ضرورت وجودی حق و معنازایی قصد در خدا، صیوروت را در خلقت به سوی خودش ایجاد می کند: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ» [۲] لذا ما به سوی مقصدی در حرکتیم: «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [۳]، «إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ» [۴] همه امر به خدا بر می گردد، «وَالِإِلَهِ الْمَصِيرُ» [۵] ما به سوی خدا صیوروت داریم، صیوروتی که نه از طریق مکان بلکه بر محور زمان شکل می گیرد و به جهان های بی نهایت منتهی می شود.

بر این اساس آن معنایی که با فطرت درک می شود مفهوم غایت و آینده را به شدت معنادار می سازد؛ در واقع همه پدیدارها یا آیه ها و نشانه های جهانی (تجلیات خدا) به سوی مقصدی صیوروت دارند که همان «آینده» است، مقصدی که ذهن و عین را به تعبیر هگل یکسان خواهد ساخت و یا به تعبیر آموزه های اسلامی دنیا و آخرت را در روز قیامت با هم ادغام خواهد کرد.

گفتنی است تجلی بی نهایت بر جهان های بی نهایت (هفت زمین و آسمان...) در یوم الله «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» [۶] اتفاق می افتد که نظریه معرفتی شیعه است که در قالب یوم الظهور، یوم الرجعه و یوم القیامه ترسیم می شود.

در این پروسه امام زمان(عج) بسط زمان در مکان های متعدد «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» [۷] را رقم می زند و بسط زمانی ملکوت را در زمین(ناسوت) جاری می سازد: «السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؛ ریسمان و وسیله اتصال بین زمین و آسمان» [۸] که از ترکیب این دو امر بسط واقعیت ها اتفاق می افتد و اینچنین از ترکیب دانش منبعث از زمان و مکان(تاریخ و جغرافیا) فرهنگ و تمدن تولید می شود.

یوم الظهور روزی است که امام زمان(عج) بر مبنای حفظ نظام اجتماعی و اصل تبعی امر به معروف و نهی از منکر از طریق صلح و ارسال پیام به مردم ظهور می کند، لذا از قیام خبری نیست چرا که در نظریه پیشرفت اسلامی جنگ موضوعیت ندارد از آن جهت که تعین و جبرگرایی منتفی است در نتیجه تقلیل معرفتی و نوسازی آمرانه و تعینی و خشن بی معناست؛ البته پس از جنگ طلبی دشمنان، آن حضرت نه از سر موضع جنگ طلبانه بلکه از سر ذلت ناپذیری برآمده از الگوی تاریخی عاشورا، علیه دشمنان قیام می کند.

رجعت یوم الله دیگری است که همه صالحان زمین از اول خلقت انسان تا عصر ظهور باز می گردند این فرآیند تا قبل از قیامت و رستاخیز کبری ادامه خواهد داشت، در ادامه همه انسان ها در قیامت زنده خواهند شد.

در این میان یکسان شدن دنیا و آخرت و زندگی ابدی انسان ها مقوم صیوروت است چرا که در یوم الظهور، یوم الرجعت و یوم القیامه، بسط زمانی ایجاد می شود و متکامل ترین دوره های بشری از لحاظ معنوی و مادی محقق خواهد شد.

بدین ترتیب پیوند ناگسستنی میان ذهن و عین یا آرمان و واقعیت برقرار خواهد شد و کلام الهی مبنی بر «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» [۹] تعبیر خواهد شد و از آنجا که خدا اول و آخر جهان و بی نهایت است لذا تجلی اعظم خدا تا قیامت است و تا ابد. و بشر نیز که اول و آخر خلقتش به خدا می رسد در این فرآیند تکامل می یابد. همانگونه که ظهور

امام زمان(عج) تکامل بشری است؛ علمی که یک جزء آن کشف شده است باقی آن علوم در عصر ظهور منکشف می گردد.

گفتنی است در برخی محافل به ظاهر دینی بر مبنای برخی روایات جعلی، شبهه کشتار وسیع امام زمان(عج) در جامعه بیان می شود حال آنکه خداوند در آموزه های شیعی به «سلام» تعبیر شده است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ لَكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ» [۱۰]

سلام یعنی صلح، سلام یعنی ما با دیگران در حال صلحیم، بر این اساس جواب سلام واجب است؛ زیرا اساس جامعه اسلامی بر صلح است، لذا در فقاقت نیز باید به ظاهر متعبد بود نه به باطن، اینگونه است که دولت های اسلامی در برابر ایجاد امنیت با تمسک به ظاهر، از اقلیت های مذهبی جزیه می گیرند و از مسلمانان زکات، چرا که ظاهر اصل است چرا که اساس جامعه بر صلح و سلام است نه جنگ.

نکته جالب توجه این است که قیام امام زمان(عج) نه برای جنگ و خشونت بلکه برای ایجاد صلح و برچیدن جنگ های جهانی است. در این بین نزول مسیح(ع) در بیت المقدس در معیت امام زمان(عج) برای گفت و گو با مسیحیان جهان در راستای ایجاد صلح و آرامش است.

لذا چه ظهور، و چه رجعت و چه قیامت روز صلح است همانگونه که در شب قدر که بدیلی از روز قیامت و ظهور و رجعت [۱۱] است می خوانیم: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» [۱۲] و اینچنین ساختار کلامی شیعه به شدت مروج صلح محوری است و جهان شمول.

[۱] سورة انعام، آیه ۷۴.

[۲] سورة حدید، آیه ۳.

[۳] سورة بقره، آیه ۱۵۶.

[۴] سورة هود، آیه ۱۲۳.

[۵] سورة تغابن، آیه ۳.

[۶] سورة رحمن، آیه ۲۹.

[۷] سورة ابراهیم، آیه ۴.

[۸] دعای ندبه.

[۹] سورة قصص، آیه ۸۳.

[۱۰] رک: مفاتیح الجنان.

[۱۱] « تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ » (سورة قدر، آیه ۴).

[۱۲] سورة قدر، آیه ۵.



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته به بزرگداشت

یاد و خاطره علمای آبادان در بیست و نهمین سالگرد رحلت آیت الله حاج شیخ عبدالرسول قائمی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همه برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت یاد و خاطره ی علمای آبادان تشکر می کنم. تردیدی نیست که عالمان بلاد همچون دژی محکم و استوار در مقابل انحرافات فکری و عقیدتی بوده و از باورهای اصیل دینی محافظت می نمایند و هدایت جامعه را بر عهده دارند. آبادان نیز با سابقه درخشان خویش مهد عالمان است. تجلیل و تکریم از دانشمندان و فرهیختگان، تجلیل و تکریم

علم و علم اندوزی خواهد بود.

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرسول قائمی که سالیان طولانی عمر خود را وقف آبادان و مردم محترم آن خطه کرد، از زمره این عالمان ربانی به شمار می آید.

تلاش های او در مقابل افکار گمراه و خطرناک حزب توده، برقراری امنیت در سالهای نخستین انقلاب، تأسیس و مدیریت مدرسه علمیه، ساخت مساجد، مدارس، دار الایتمام و کارهای عام المنفعه فراوان در آبادان و اصفهان از خدمات ارزنده ی

پیام تسلیت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته به مناسبت

رحلت همسر گرامی آیت الله سبحانی دامت برکاته

انا لله و انا الیه راجعون

حضور محترم حضرت آیت الله سبحانی دامت برکاته

با نهایت اندوه و تاسف از ارتحال بانوی مجلله مؤمنه، مرحومه مغفوره، متعلقه حضرت عالی با خبر شدم. بی تردید

آن مرحومه که خود از خاندان جلیل روحانیت تبریز بودند در سالهای فراوان همراهی با شما، فداکاری ها و زحمات فراوانی را متحمل گردیده و فرزندان صالح و شایسته ای را تربیت نمودند.

این جانب رحلت اندوهبار این مادر دلسوز

و همسر فداکار را به شما صدیق مکرم و آقازادگان و همه منسوبین تسلیت عرض نموده ضمن آرزوی طول عمر با برکت برای جنابعالی، برای آن مرحومه مغفوره، رضوان و غفران و برای بازماندگان صبر و اجر فراوان از درگاه ایزد متان، خواستارم.



پیام تسلیت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته به مناسبت

رحلت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید علی اصغر هاشمی شهیدی رحمت الله علیه

إنا لله وإنا إلیه راجعون

خبر رحلت عالم متقی و روحانی مجاهد، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی اصغر هاشمی شهیدی رحمه الله علیه که از بیت علم و فضیلت بود، موجب تأثر گردید.

حضور متمادی ایشان در لامرد، مایه خیر و برکت برای آن منطقه بود که آثار آن باقی است و ادامه خواهد یافت و إن شاء الله باقیات الصالحات ایشان خواهد بود. اینجانب این ضایعه را به مردم آن خطه و

علاقه مندان به ایشان و خصوصاً به بیت آن مرحوم تسلیت عرض می کنم و از درگاه خداوند متعال علو درجات ایشان و صبر و اجر برای بازماندگان مسئلت دارم.



اجازه استفاده از وجوهات برای زلزله زدگان خوی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی ضمن ابراز همدردی با زلزله زدگان و مصیبت دیدگان شهرستان خوی با توصیه به مسئولین نسبت به کمک و امداد رسانی هر چه بیشتر به مردم منطقه، اجازه دادند مومنین از یک سوم وجوهات شرعیه خویش برای کمک به حادثه دیدگان استفاده نمایند.



خشونت و فشار در مسأله حجاب کارساز نیست این مسأله راه‌های فرهنگی دارد

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار دکتر اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد نقش این وزارتخانه را در تبیین مسائل فرهنگی مهم دانسته و فرمودند: وزارت ارشاد باید به مسائل اسلامی و فرهنگی توجه بیشتری نماید.

معظم له به ضرورت حجاب تأکید نموده و فرمودند: مسأله حجاب در حال حاضر با مسائل سیاسی گره خورده و عده‌ای می‌گویند اگر بتوانیم حجاب را حذف کنیم نظام جمهوری اسلامی کم‌رنگ می‌شود.

ایشان خشونت و فشار را در مسأله حجاب کارساز ندانسته و افزودند: مسأله حجاب راه‌های فرهنگی دارد؛ البته صدا و سیما نیز باید بیشتر از این به مسأله حجاب اهمیت بدهد.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در ادامه به مسائل و مشکلات حوزه چاپ و نشر پرداخته و فرمودند: یکی از

مهم‌ترین راه‌های نشر فرهنگ، کتاب و مجله است اما متأسفانه در حال حاضر قیمت کاغذ چندین برابر شده است و این گرانی باعث مشکلاتی دیگری از جمله تعطیلی و بیکاری مراکز چاپ و نشر و اصناف وابسته به آن گردیده است.

ایشان همچنین به گرانی کتاب و لزوم ارائه تسهیلات در این زمینه اشاره نموده و افزودند: افراد زیادی هستند که علاقمند به کتاب و کتابخوانی هستند اما قدرت خرید کتاب را ندارند!

معظم له با اشاره به افزایش هزینه حج، فرمودند: گرانی حج هم عواملی دارد که مهمترین آن، گرانی ارز است ولی دولت می‌تواند برای آن تسهیلات بیشتری بگذارد تا مردمی که سال‌هاست انتظار حج را می‌کشند بتوانند برای انجام مناسک حج به خانه خدا مشرف شوند.

معظم له کشورداری در این شرایط را کاری سخت دانسته و افزودند: رئیس

جمهور و وزرای محترم بدانند که در شرایط سختی هستید؛ درست است که دشمن به شدت در حال فعالیت است اما چنان نیست که تمامی راه‌ها بسته باشد.

معظم له با تأکید بر اینکه نباید طوری رفتار کنیم که دولت تضعیف شود، فرمودند: عدم تضعیف دولت به این معنی نیست که منتقد دولت نباشیم. مردم از ما می‌خواهند که شما صدای ما را برسانید و مشکلات را بگویید. ما مشکلات را می‌گوییم، اما باید گوش شنوایی هم باشد.

بنابراین کاری کنید که این دولت این شاء الله موفق بشود.

معظم له در پایان فرمودند: وظیفه ما دعا کردن و تذکر دادن به دولتمردان و امید دادن به مردم است ولی باید توجه نمود که اگر امید از مردم گرفته شود کار مشکل می‌شود؛ باید کاری کنیم که مردم امیدوار باشند و امیدشان تبدیل به یأس نشود.



حج فرصتی طلایی است که تکرار آن بسیار دشوار است

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار حجت الاسلام والمسلمین آقای نواب نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سید صادق حسینی رئیس سازمان حج و زیارت با اشاره به اینکه لازم است روحانیون کاروان‌ها برای حجّاج وقت بگذارند، فرمودند: روحانیون نسبت به حجّاج مسئولیت سنگینی دارند و باید بر اعمال و مناسک و حتی قرائت حمد و سوره‌ی آنها نظارت داشته باشند و

چنانچه ایرادی دارند، اصلاح نمایند. ایشان به لزوم پوشش مناسب زائران اشاره کرده و فرمودند: پوشش زائران ایرانی باید درخور شأن و جایگاه یک ایرانی مسلمان باشد.

معظم له با تأکید بر دوری از اسراف و بهره‌گیری از فرصت معنوی حج فرمودند: فرصت حج، فرصتی طلایی است که تکرار آن بسیار دشوار است، لذا باید در آن

اماکن مقدسه در پی چیزی باشند که در غیر آنجا یافت نمی‌شود.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی خاطرنشان ساختند: در میان حجّاج، برخی افراد هستند که تمکّن مالی یا بدنی ضعیفی دارند که مسئولین و دیگر حجّاج محترم باید در حد توان خود نسبت به این گونه افراد نیز دست‌گیری و مساعدت نمایند.



تلاش کنیم شیعه‌ی عملی باشیم نه شیعه‌ی لفظی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مراسم عمامه گذاری جمعی از طلاب حوزه های علمیه، با تبریک ولادت با سعادت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: در حالات امیر مؤمنان علی علیه السلام مسائل مختلفی مشاهده می شود، از جمله اینکه در لیلۃ المبیت در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خوابید و با آگاهی کامل جان خود را در طبق اخلاص گذاشت، تا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بتواند به سمت مدینه هجرت کند، همچنین در جنگ احد نیز ماجرا به گونه ای پیچیده و خطرناک شد که اگر علی علیه السلام نبود اسلام نمی توانست پیشرفت کند. ایشان افزودند: ضربه امام علی علیه السلام بر پیکر بزرگترین قهرمان دشمن در جنگ احزاب نیز باعث بقای اسلام گردید و اگر امروز کسی عبادتی انجام می دهد، به سبب آن ضربه حضرت است. معظم له در ادامه با اشاره به حدیث «عنوان صحیفۃ المؤمن حبّ علی بن ابی طالب» فرمودند: عنوان و تیتراژ نامه ی اعمال شخص مؤمن، حبّ علی بن ابی طالب علیه السلام است و ما خدا را شاکریم که شیعه و پیرو این مکتب هستیم و باید بکوشیم تا حق شیعه بودن را ادا کنیم و شیعه ی عملی باشیم نه شیعه ی لفظی. ایشان خطاب به طلابی که مفتخر به لباس روحانیت شدند، فرمودند: شما

مفتخر به لباس سربازی امام زمان علیه السلام شده اید. قبل از تلبس، مسئولیت هایی داشتید ولی اکنون مسئولیت های شما چند برابر شده است.

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی افزودند: مردم به دقت به رفتار شما می نگرند و از شما انتظار دارند که رفتاری متناسب با جایگاه روحانیت داشته باشید. برخوردتان با خانواده، فامیل، همسایگان، دوستان و مردم باید بهتر از گذشته باشد. ایشان همچنین اظهار داشتند: تلاش کنید که حق این لباس را ادا کنید و از خداوند بخواهید که شما را در این مسیر موفق بدارد.



بیانات آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

در آستانه چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پایان جلسه تدوین شرح صحیفه سجادیه، به مناسبت فرارسیدن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند: هنگامی که امام راحل قدس سرّه اعلام جمهوری اسلامی کردند، بسیاری از تنگ نظران تصور می کردند این انقلاب چند روزی بیشتر نمی پاید. الحمدلله الان چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب اسلامی است. سرّ این طول عمر، با وجود توطئه های دشمنان اتحاد میان مردم است. اگر این هماهنگی و اتحاد ادامه یابد، این انقلاب ان شاء الله تا ظهور امام زمان ارواحنا له الفداء ادامه خواهد یافت. اینجانب از همه مردم عزیز تقاضا می کنم که با حضور پرشور، در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کنند و صدایشان را به گوش جهانیان برسانند که تأثیر بسیار مهمی در تزلزل روحیه دشمنان و رسوایی آنان دارد.



دکتر محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



جشن میلاد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مراسم عمامه گذاری



نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و رئیس سازمان حج و زیارت



مراسم جشن عید مبعث و مراسم عمامه گذاری



جناب آقای سید مرتضی بختیاری رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره)



پرتاب ماهواره امید مردم ایران را امیدوار کرد

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

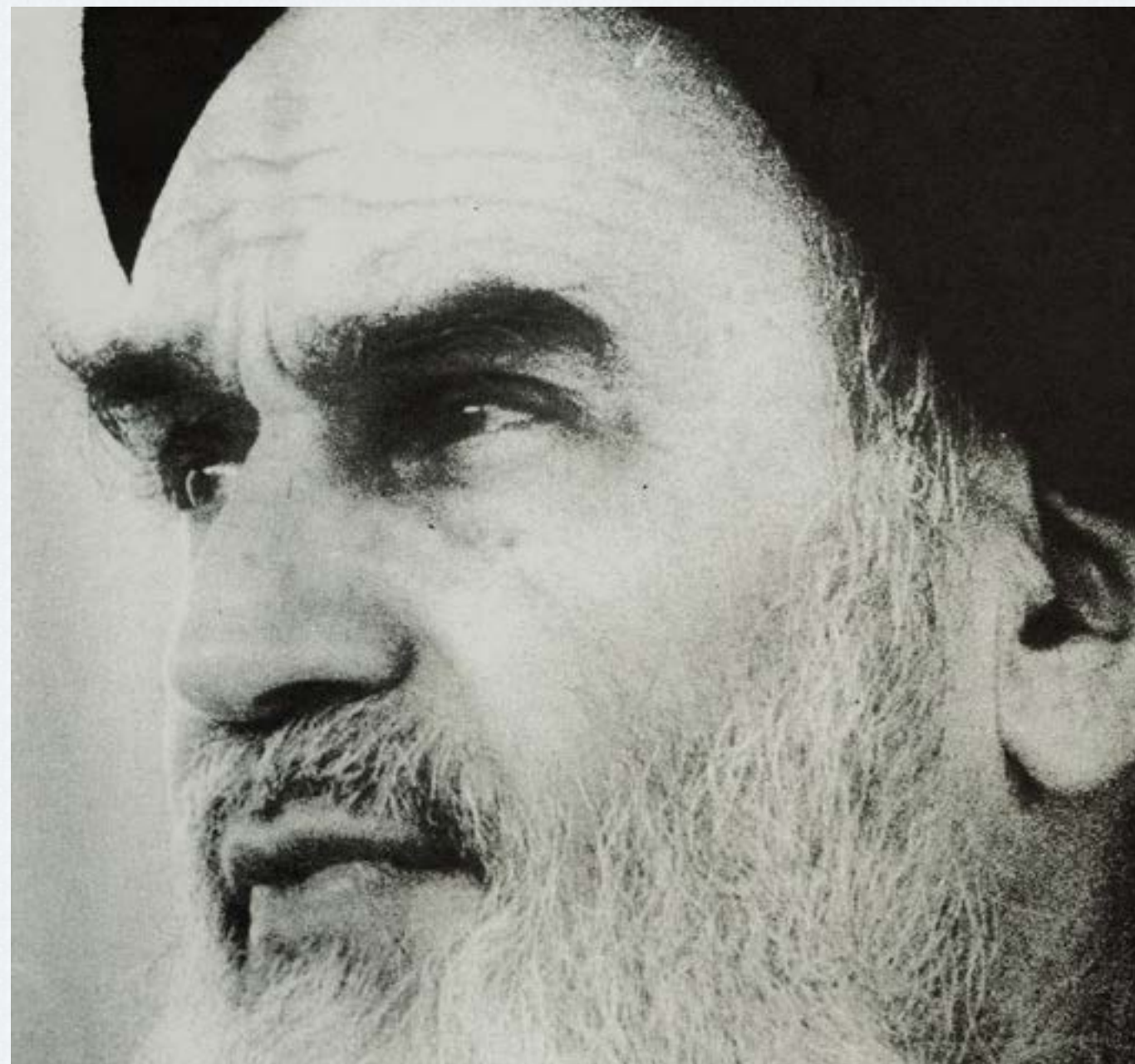
ساخت و پرتاب ماهواره امید به همت دانشمندان جمهوری اسلامی، امید زیادی را در دل مردم ایجاد کرد و نشان داد ملت ایران میتواند بدون مشاوره از خارجیا در تمام رشتههای علمی عظیمانذگیمایشان را جبران کنند.



اعتكاف؛ ترميم سبك زندگي

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

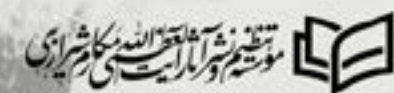
اعتكاف همچون احرام ، انسان را از جهان مادی جدا میکند؛ فرد معتكف در خانه خدا مجالی برای ارتباط با معبود پیدا میکند تا برای ترميم ، تثبيت و ارتقای زندگي خود تصميم بگیرد. امیدواریم معتكفان دعاهای مؤثري برای حل مشکلات داخلی کشور و رفع مشکلات اقتصادی داشته باشند.



نقش پیام‌های امام خمینی در پیروزی انقلاب اسلامی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

گاه يك يا چند قطره مركب عالم جمله‌ای بر روی کاغذی شده و دست استعماری را کوتاه می‌کند، و او را به عقب‌نشینی وامی‌دارد، چنانکه پیام‌های رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمه الله چنان کرد.



www.makarem.ir



همافران

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

سهم نیروی هوایی در انقلاب اسلامی غیر قابل انکار است. در آن زمان که هنوز ارتش در زیر سلطه رژیم سابق بود، این عزیزان نیروی هوایی بودند که با شجاعت و توکل بر خدا وارد میدان شدند و آن صحنه زیبای بیعت با امام را به نمایش گذاشتند و نمره سخنی بر بیکر طغیوت وارد آوردند.



www.makarem.ir

تأملی بر دکترین اجتماعی امام جواد علیه السلام

از منظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)

باید اذعان نمود در مسیر پرفراز و نشیبی که انسان در زندگی در پیش دارد برای این که بتواند از خطرات بیشماری که سعادت او را تهدید می کند رهایی یابد و موجودی مفید و مؤثر در اجتماع گردد، در درجه اول نیاز به یک ارتباط معنوی و روحانی به پروردگار دارد که از ذات پاکش مدد گیرد، و سپس وجدانی بیدار و آگاه از درون او را موعظه کند و پس از آن گوش‌هایی شنوا که از افکار، راهنمایی‌ها، اندرزها و مشورت‌های دیگران استفاده کند، لذا امام جواد علیه السلام می فرماید: «المؤمن یحتاج إلی ثلاث خصال: توفیق من الله؛ و واعظ من نفسه و قبول ممن ینصحه؛ افراد با ایمان نیازمند به سه چیزند، توفیق پروردگار، و واعظی از درون جان و دل، و پذیرشی از اندرز دهندگان»، که در ادامه به اهمّ آموزه‌های اجتماعی آن حضرت اشاره می گردد.

شکوه امامت امام جواد علیه السلام

در سالروز میلاد پرخیز و برکت امام جواد علیه السلام بسیار مناسب است روایتی از یکی از یاران آن حضرت به نام علی بن اسباط را بخوانیم که می گوید به خدمت او رسیدم (در حالی که سن امام کم بود) من درست به قامت او خیره شدم تا به ذهن خویش بسپارم و به هنگامی که به مصر باز می گردم کم و کیف مطلب را برای یاران نقل کنم، درست در همین هنگام که در چنین فکری بودم آن حضرت نشست (گویی تمام فکر مرا خوانده بود) رو به سوی من کرد و گفت: ای علی بن اسباط! خداوند کاری را که در مساله امامت کرده همانند کاری است که در نبوت کرده است، گاه می فرماید: و

أتیناه الحکم صبیاً (ما به یحیی در کودکی فرمان نبوت و عقل و درایت دادیم) و گاه در باره انسان‌ها می فرماید حتی إذا بلغ أشده و بلغ أربعین سنه ... (هنگامی که انسان به حد بلوغ کامل عقل به چهل سال رسید ...) بنا بر این همانگونه که ممکن است خداوند حکمت را به انسانی در کودکی بدهد در قدرت او است که آن را در چهل سال بدهد.

خدا محوری؛ مایه ی بیداری جوامع بشری

گاه می شود که در زندگی تمام درها به روی انسان بسته می شود و به هر طرف رو می کند با مشکل یا مشکلاتی روبه رو می شود.

این گونه رویدادها فرصتی است برای بیدار شدن انسان‌ها و بازگشت او به سوی خدا، بازگشتی سازنده و تغییر دهنده سرنوشت، در این هنگام اگر از جان و دل متوجه او گردد و از ذات پاکش مدد گیرد، امدادهای الهی به سراغ او آمده و نسیم‌های رحمت پروردگار او را در آغوش می کشند و از راههایی که هرگز باور نداشت درهای بسته گشوده می شود.

از این رو امام محمد تقی (جواد) علیه السلام می فرماید: «لو کانت السماوات والارض رتقا عبد ثم اتقی الله تعالی جعل الله له منها مخترج؛ اگر درهای آسمان و زمین به روی کسی بسته شود سپس او پرهیزگاری پیشه کند خداوند گشایشی در کار او می دهد».

مراقبت دائمی؛ بزرگترین شاخصه ی پویایی اجتماعی

لازم به ذکر است نخستین اثر ایمان

به خداوند بزرگ، احساس یک مراقبت دائمی بر سر تا پا و درون و برون از ناحیه علم و آگاهی اوست، نه تنها هیچ نقطه ای از دیدگاه علم او بیرون نیست، بلکه مراقبین او از چهارسو، از همه جا، ما را احاطه کرده اند.

لذا هر قدر پایه ایمان بالاتر برود احساس این مراقبت، بیشتر و عمیق تر می گردد، تا آن‌جا که انسان خود را به طور دائم در حضور او می بیند، این احساس بزرگترین وسیله اصلاح فرد و اجتماع، و زیباترین جلوه ای ایمان است، که احیا کردن آن به مهم‌ترین نابسامانی‌های اجتماعی سامان می بخشد، از این رو امام محمد تقی (امام جواد) علیه السلام می فرماید: «إعلم أنک لن تخلو من عین الله فانظر کیف تكون؛ بدان که از دیدگاه پروردگار بیرون نخواهی رفت اکنون ببین چگونه خواهی بود؟».

ایجاد بحران اجتماعی در سایه ی هم نشینی با بدن

بی شک تأثیر مجالست و هم‌نشینی غیر قابل انکار است؛ لذا همنشینی با بدن انسان را بدبخت می سازد زیرا همنشینی با بدن و قرار گرفتن در محیط‌های فاسد هماهنگی ظاهر و باطن را بر هم می زند بلکه باید به سراغ اصول حاکم بر درمان بیماری‌های اخلاقی و رذائل برویم که همان اندیشیدن در آثار نکبت بار آن است. اینگونه است که در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «از همنشینی بدن بپرهیز که همچون شمشیر برهنه اند، ظاهرشان زیبا و آثارشان بسیار زشت است»!

در تبیین این مسأله باید گفت هجرت

و دوری از اهل عصیان و گناه و از همنشینی با بدن و ظالمان و آلودگان از جمله منازل سالک الی الله است که وارد عالم خلوص می گردد.

هم چنین همنشینی با بدن باعث آلودگی انسان می شود، همان‌گونه که نسیم دلنواز اگر از روی مزبله‌ها و مکان‌های بدبو عبور کند، بدبو می شود» از این رو هنگامی که انسان در خانواده یا در شهر و کشوری که فساد بر آن حاکم شده است زندگی کند، نظر او نسبت به همه افراد حتی به نیکان بد می شود. هر چند معاشران او افراد خوبی باشند ولی غلبه فساد بر محیط کار، خود ایجاد سوءظن می کند. بنابراین لازم است از همنشینی با بدن پرهیز گردد.

شهوت؛ عامل سقوط جوامع بشری

در وهله ی نخست باید گفت «شهوت» نقطه مقابل «عفت» و موجب سقوط فرد و جامعه می شود. مطالعات تاریخی نشان می دهد که اشخاص یا جوامعی که در «شهوت پرستی» غرق شده اند، نیروهای خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته اند.

طبق نظر کارشناسان حقوقی، «شهوت جنسی» در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جایی که گفته شده است: «در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه آمیز باشد، ولی به یقین منشأ بسیاری از جنایات و انحرافات، طغیان «غریزه جنسی» و شهوت پرستی است.

لذا در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «راکب الشهوات لاتستقال له عثره؛ آن‌کس که بر مرکب شهوات سوار شود لغزش‌هایش قابل جبران نیست»؛

اصولاً هنگامی که پای شهوت پرستی به میان آید حجابی بر عقل افتاده و حاکمیت عقل کنار می رود و هنگامی که زمام امور انسان از عقل سلب شود و به دست شهوات بیفتد هرگونه بدبختی یا خطری برای او فراهم شود جای تعجب

نیست.

لذا نباید فراموش نمود که اگر همه افراد جامعه جز «الله» را پرستش نکنند و در مقابل انواع هوی و هوس‌ها، و شهوت‌ها، سر تعظیم فرود نیاورند، هیچ‌گونه نابسامانی در جوامع انسانی وجود نخواهد آمد.

نتیجه این که: اولین وظیفه متصدیان جامعه، جلوگیری از عوامل تحریک و برچیدن زمینه‌های فساد، و نخستین وظیفه جوانان پاکدامن، اجتناب و دوری از این عوامل و زمینه‌ها است. جالب این که اجتناب از زمینه‌های گناه آن قدر مهم است که شخصی همچون حضرت یوسف پیامبر علیه السلام، که دارای مقام عصمت است، نیز برای حفظ پاکدامنی خود از آن استفاده می نماید.

روح پرستش

بدیهی است سخن هرچه باشد و از هرکس باشد اثر دارد؛ و گوش فرادادن به سخنان این و آن معمولاً با تأثیر آن در دل آدمی همراه است، لذا امام جواد علیه السلام می فرماید: «کسی که به سخنگویی گوش فرا دهد، او را پرستش کرده است. بنابراین اگر از خدا می گوید، خدا را پرستش کرده، و اگر از زبان ابلیس می گوید، ابلیس را پرستیده است!».

باید اذعان نمود از آن‌جا که هدف سخنگویان مختلف است، جمعی سخنگوی حقند و جمع سخنگوی باطل، و خضوع در برابر هریک از این دو گروه یک نوع پرستش است، زیرا روح پرستش چیزی جز تسلیم نیست، بنابراین آنها که به سخنان حق گوش می دهند، پرستندگان حقند و آنها که سخنگویان باطل گوش فرا می دهند، پرستندگان باطلند، پس باید از رونق دادن به محفل سخنگویان باطل پرهیز کرد و اجازه نداد که سخنان تاریک آنان از مجرای گوش به اعماق جان برسد.

تعمیل در توبه؛ شاخصه ی بنیادین خدا محوری

در بسیاری از روایات توبه آمده است که باید در توبه از گناه، تعجیل کرد و از «تسویف» یعنی به عقب انداختن آن پرهیز نمود؛ مبدا آثار گناه در دل بماند و با گذشت زمان تبدیل به یک خلق و خو شود؛ لذا در حدیثی از امام جواد علیه السلام می خوانیم: «تأخیر التوبه اغترار، و طول التسویف حیره ... و الاصرار علی الذنب امن لمکر الله؛ تأخیر توبه موجب غرور و غفلت، و امروز و فردا کردن سبب حیرت، و اصرار بر گناه موجب بی‌اعتنایی به مجازات الهی است.»

بی شک گناه آثاری بر قلب می گذارد که تدریجاً به صورت خلق و خوی باطنی در می آید و توبه این آثار را می شوید و اجازه نمی دهد تشکیل خلق و خوی دهد، لذا با توجه به این که دنیا، سرعت پشت می کند و آخرت با شتاب روی می آورد و امروز، روز آمادگی و فردا، روز مسابقه سعادت و شقاوت است، حال چرا افراد عاقل و هوشیار، با توبه کردن و بازگشت به سوی خدا و انجام عمل نیک پیش از آن که فرصت از دست رود خود را آماده این سفر نکنند؟.

حیات اجتماعی در پرتو حفظ اسرار

متأسفانه برخی از مردم در بعض موارد سعی می کنند به اسرار زندگی و عیوب پنهانی تفتیش کنندگان پی ببرند و بر ملا سازند در حالی که جستجو و تفتیش درباره عقائد و اسرار و عیوب دیگران سبب کینه توزی و عداوت در صحنه اجتماع و گاه منجر به درگیری‌های شدید می شود. لذا اگر سلامت جامعه و امنیت و آرامش را طالب باشیم، باید از این امر به شدت بپرهیزیم.

با این تفاسیر باید به روایتی از امام جواد علیه السلام اشاره نمود که فرمود: «إظهار الشئ قبل أن یتحکم مفسده له؛ اظهار کردن چیزی (سری از اسرار) پیش از آنکه مستحکم شود و به نتیجه برسد موجب فساد آن است».

بدین ترتیب باید گفت اگر چه از آنجا

که، بیم توطئه بر ضد جامعه، و یا به خطر انداختن امنیت و حکومت اسلامی می رود به همین دلیل حکومت اسلامی می تواند مأموران اطلاعاتی داشته باشد، یا سازمان گسترده ای برای گردآوری اطلاعات تأسیس کند لیکن مرز میان «تجسس» و «به دست آوردن اطلاعات لازم برای حفظ امنیت جامعه» بسیار دقیق و ظریف است، و مسؤولین اداره امور اجتماع باید دقیقاً مراقب این مرز باشند، تا حرمت اسرار انسان ها حفظ شود، و هم امنیت جامعه و حکومت اسلامی به خطر نیفتد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت اگر کسی تمام امیدش به اسباب مادی باشد، راه را گم کرده است مثل این که در برنامه های امروزی، عده ای معتقدند که اگر ما با کشورهای قوی ارتباط نداشته باشیم و یا از جامعه جهانی جدا شویم، بیچاره می شویم! اینها عالم اسباب است و خدای ما اینها نیستند و باید تکیه گاه ما خدا باشد، چرا که امام جواد علیه السلام مطابق این حدیث می فرماید: کسی که در عالم اسباب غرق شود، خدا او را به همان اسبابی واگذار می کند که نمی تواند خود را اداره کند.

اگر چنین رفتار کنیم با اندک شکستی مأیوس نمی شویم و یأس و ناامیدی در زندگی ها به جهت ضعف ایمان و عدم توجه به خداست.

امام جواد علیه السلام می فرماید: کسی که از خدا بریده و به غیر خدا بپیوندد، خداوند او را به همان شخص واگذار می کند و کسی که بدون علم و آگاهی عمل کند، خراب کاری او بیش از آباد کردن اوست.

فضیلت و اعمال «لیله الرغائب»

از منظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه)

ماه رجب از ماههای بسیار پرفضیلت است؛ از روایات متعدّد وارد شده درباره ماه رجب می توان به اهمیت بالای آن پی برد؛ به ویژه آنکه بدانیم ماه رجب ماه عبادت و خودسازی ماه تهذیب نفوس و خودسازی و آغاز یک دوره جدید سیر و سلوک الی الله به شمار می آید.

در این میان لیله الرغائب از جمله شب های مهم، مفید و حیاتبخش است؛ از این نظر که لیله الرغائب شب رحمت است، شب مغفرت و آمرزش است؛ چراکه دریای لطف و بخشش پروردگار در این شب مَوَاج است، لذا در این شب مبارک، خداوند به بندگانش فضل خود را عطا می فرماید و به کرم خویش، آنان را می آمرزد.

معنای واژه لیله الرغائب

لیل به معنای شب و «رغائب» جمع «رغیبه» به معنای خواسته مهم است که از ریشه «رغبت» گرفته شده است. هم چنین «رغائب» جمع «رغیبه» به معنای شیء مطلوب و امر مرغوب است که هر دو معنا درست است.

از نخستین شب جمعه ماه رجب غفلت نکنید

اولین شب جمعه ماه رجب را «لیله الرّغائب» گویند؛ در این زمینه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی که فضیلت ماه رجب را بیان می کرد فرمود: «از اولین شب جمعه ماه رجب غافل نشوید که فرشتگان آن را «لیله الرّغائب» نامیدند».

«لیله الرغائب» شب پاداش های فراوان

« لیله الرّغائب» یعنی شبی که به خاطر پاداش ها و فضیلت های فراوانی که دارد،

مورد میل و رغبت فراوان است و یا به معنای «شب پاداش های فراوان» است، زیرا «رغائب» جمع «رغیبه» است که هم به معنای «کار مورد رغبت» آمده است و هم به معنای پاداش و عطای فراوان. بی تردید وعده پاداش عظیم برای لیله الرغائب، خود گواه بر اهمیت آن است.

اعمال «لیله الرغائب» در کلام پیامبر مهربانی ها

گفتنی است رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اعمالی را برای آن شب به این کیفیت بیان فرمود: «روز پنج‌شنبه اول ماه را روزه می گیری، چون شب جمعه فرا رسید، میان نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز می گذاری (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت از آن، یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «إِنَّا انزلناه» و دوازده مرتبه «قل هو الله احد» را می خوانی.

پس از اتمام نماز هفتاد مرتبه می گویی: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ وَ عَلَی آلِهِ» آنگاه به سجده می روی و هفتاد بار می گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَ الرُّوحِ» سپس سر از سجده برمی داری و هفتاد بار می گویی: «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّکَ أَنْتَ الْعَلِیُّ الْأَعْظَمُ» بار دیگر نیز به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَ الرُّوحِ» آنگاه حاجت خود را می طلبی که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

وعده‌های شیرین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در یک شب روحانی

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در فضیلت این اعمال فرمود: «کسی که چنین نمازی را بخواند، خداوند همه گناهانش را بیامرزد... و در قیامت درباره

فلسفه پاداش های عظیم در لیله الرغائب گاه در روایات برای انجام اعمال و مناسک دینی در مناسبت هایی هم چون لیله الرغائب، پاداش های عظیمی ذکر شده است که ممکن است این سؤالات را برای خوانندگان مطرح کند که آیا هر فرد مسلمانی که چنین اعمال ساده ای را انجام دهد از چنان پاداش های عظیم بهره‌مند می شود و اصولاً چه رابطه ای میان این اعمال و آن همه ثواب و پاداش است؟

در پاسخ باید به این نکته توجه کرد که اولاً: دریافت این پاداش های عظیم مطابق صریح آیات قرآن و روایات، متوقف بر ایمان و اخلاص و تقواست، چنانکه در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند.».

در این زمینه امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا، دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَ اخْلَاصُهُ أَنْ يُحْجِزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ کسی که «لا اله الا الله» را با اخلاص بگوید، داخل بهشت می شود و اخلاصش این است که «لا اله الا الله» او را از تمام آنچه خداوند متعال حرام کرده، باز دارد.».

هم چنین در پاره ای از روایاتی که در مورد پاداش عظیم زیارت ها آمده، جمله «عَارِفًا بِحَقِّهِ؛ با شناخت به حق او» دیده می شود که مفهومش آن است: آن امام را واجب الاطاعه بداند و دستوراتش را بکار گیرد؛ در یکی از این روایات امام کاظم علیه السلام می فرماید: «إِذَا عَرَفَ حَقَّه وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَايَتَهُ...».

ثانیاً: حفظ این دستاوردها و پاداش ها نیز مهمّ است؛ زیرا ممکن است کسی با اعمال صالحی پاداش های عظیمی برای خود فراهم سازد، ولی بعداً با اعمال زشت و گناهان عظیم آنها را از نامه اعمال خود بشوید؛ در حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می خوانیم که: هر کس لا اله الا الله بگوید،

خداوند درختی در بهشت برای او غرس می کند. مردی از قریش در آنجا حاضر بود، عرض کرد: ای رسول خدا! بنابر این درختان ما در بهشت بسیار زیاد است! حضرت فرمود: «نَعَمْ! وَ لَكِنْ إِيَّاكُمْ أَنْ تُرْسِلُوا عَلَیْهَا نِیرَانًا فَتَحْرَقُوها؛ آری! ولی برحذر باشید که آتشی نفرستید که آن درختان را بسوزاند». سپس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به کلام آسمانی «وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ...» استدلال فرمود.

پاداش های عظیم در لیله الرغائب؛ استحقاق با تفضّل؟

در تشریح نسبت اعمال مومنان در لیله الرغائب با پاداش های عظیم الهی در آن شب پربركت باید گفت، همه اوامر و نواهی الهی مصالحی دارد که به خود مکلفان بازمی گردد.

از این جهت اطاعت فرمان‌های پروردگار خدمتی به خداوند نیست بلکه خدمتی به خود ماست زیرا یقین داریم که تمام آن‌ها دارای مصالحی است که عاید ما می شود، به تعبیر دیگر، شبیه دستوری است که طبیب به بیمار می دهد. حال اگر بیمار دستور طبیب را اجرا کند و سلامتی خود را بازیابد حق دارد از طبیب تقاضای اجرتی در برابر زحمت خوردن داروهای تلخ کند؟ فرمان های پروردگار درمورد واجبات و محرمات و نیز انجام مستحبات همه از این قبیل است.

و از آنجا که انجام عبادت در لیله الرغائب سبب صفای روح و تکامل نفس و عزت و سربلندی می شود و مومنان را از مفاسد و بدبختی ها نجات می دهد؛ از این رو خداوند به لطف و کرمش برای تشویق مردم به اطاعتی که موجب کمال آنهاست پاداشی برای لیله الرغائب بر عهده گرفته و وعده ثواب داده و هرگز از آن تخلف نخواهد کرد، زیرا تخلف از وعده بر حکیم قادر و عالم، محال است. قرآن مجید می فرماید: «كَتَبَ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ؛ خداوند رحمت را بر خود مقرر داشته است». از سوی دیگر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا

يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ؛ خداوند از وعده خویش تخلف نمی کند».. آری پاداش‌های الهی متناسب لطف و کرم اوست نه متناسب اعمال ما و اضافه.

با این تفاسیر اگر خداوند پاداشی می دهد صرفاً تفضل است، در این مسأله پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی فرمود: «لَنْ يَدْخَلَ الْجَنَّةَ أَحَدًا عَمَلُهُ، قَالُوا: وَ لَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَ لَا أَنَا، إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ؛ هیچ کس را عملش وارد بهشت نمی سازد. عرض کردند: حتی خود شما ای رسول خدا؟! فرمود: آری، من هم چنین هستم، مگر این‌که رحمت خدا شامل من شود»..

در ادامه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دست مبارک را بر سر خود نهاد و با صدای بلند جمله بالا را بیان کرد. یعنی یقین بدانید که من هم مشمول این حکم هستم. اشاره به این‌که پاداش الهی به قدری پراهمیت است که اگر بنا بود ما اجر و مزدی از خداوند طلبکار باشیم این پاداش های عظیم و این بهشت جاویدان بسیار فراتر از اعمال ما بود.

اعمال لیله الرغائب و طرح یک نکته

گفتنی است از اعمال ماه رجب، اعمال اولین شب جمعه ی این ماه به نام «لیله الرغائب» است. در این زمینه مرحوم سید بن طاووس آن را به بعضی از کتب اصحاب استناد می دهد. مرحوم علامه ی مجلسی نیز آن را در بحار الانوار نقل می کند. مرحوم علامه ی حلی حتی به استحباب آن فتوا می دهد.

لیکن اخیر عده ای در مورد این عمل به بیراهه رفته اند و گفته اند که روایت آن در کتب اهل سنت وجود دارد و ابن جوزی آن را مجعول می داند. ابن تیمیه نیز آن را بدعت می داند.

این شائبه در حالی است که سه نفر از بزرگان شیعه آن را نقل می کنند و حتی امروزه بعضی از اهل سنت نیز این نماز را به جا می آورند.

در پاسخ به این شبهه باید گفت در اینجا یک قاعده ی کلی برای دعاها و نمازهای مستحب ذکر می کنیم و آن اینکه برای مشروعیت این اعمال سه راه وجود دارد غالب این دعا و نمازها و زیارات مسند نیست بلکه مرسله می باشد. مثلاً سید بن طاووس و دیگران در کتب خود ذکر کرده اند و سند متصل صحیح برای آن ذکر نکرده اند.

لذا یک راه این است که کسی قائل به این باشد که تسامح در ادله ی سنن معتبر است یعنی روایات مرسل و غیر صحیح در این گونه موارد حجت است و می توان به استحباب آن فتوا داد. حتی اگر این روایات در کتب اهل سنت باشد همچنان می توان به دلیل روایات «من بلغ» به آنها عمل کرد. البته مادامی که یقین به بطلان آن روایات مستحبه نداشته باشیم.

راه دوم این است که احادیث «من بلغ» را برای اثبات استحباب حجت ندانیم ولی در روایت است که اگر کسی آنها را «رجاء» و یا «التماساً ذلک الثواب» انجام دهد، آن ثواب به آنها داده می شود. ما نیز قبول داریم که می توان رجاء آنها را به جا آورد.

راه سوم این است که به سراغ اطلاقات ادله ی نماز و دعا رویم. عموماتی وجود دارد که نماز مستحب است و هر کس می خواهد زیاد و هر کس که می خواهد کمتر بخواند و یا اینکه نماز بهترین موضوع است. بنا بر این به قصد قربت مطلقه که همان قصد عمومات است این اعمال را به جا آورد.

سخن آخر: (لزوم دعا برای تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در لیلة الرغائب)

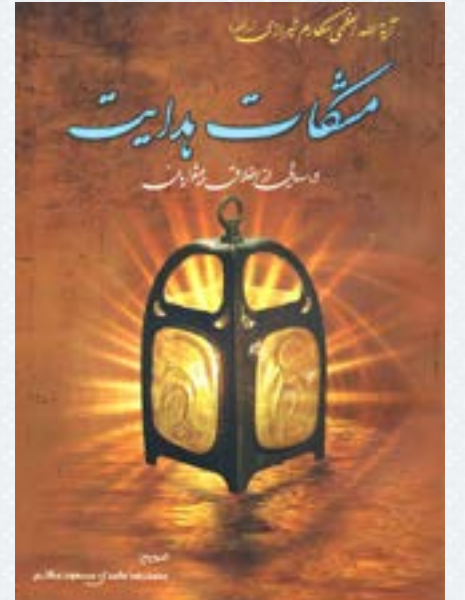
شب لیلة الرغائب شب مبارکی است و خداوند در این شب، به بندگان مؤمن، نظر رحمت می افکند و آن کس که در این شب به اطاعت خداوند مشغول باشد، پاداش بسیار زیادی دارد. شایسته

است همگان در این شب، برای تقرب به خداوند سعی و کوشش نمایند! و نیز برای وجود مبارک امام زمان علیه السلام و فرج آن حضرت و رفع مشکلات جوامع اسلامی و نابودی قدرت های استکباری بسیار دعا کنند.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

«مشکات هدایت: درس هایی از اخلاق پیشوایان»

اثر ارزشمند آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)



اسلام به بیان مسایل اعتقادی، اخلاقی برای قشر جوان و طلبه پرداخته شده است. تا درس علمی با نصایح اخلاقی همراه و قلوب دانش طلبان همچون افکار آن ها روشن و نورانی گردد.

در بخش اول این کتاب با استناد به احادیث از نشانه ها و صفات و مسئولیت های شیعه و مقامات شیعیان واقعی بحث شده سپس مجموعه مواعظ و سخنان حکیمانه ای در تبیین فضیلت های اخلاقی و راه های خودسازی از سیره و کلام پیشوایان دین نقل شده است.

برخی از موضوعات این کتاب عبارت است از: صفات شیعه، شیعه واقعی و خالص، ویژگی های مومن، محاسبه نفس، تلاوت قرآن و اهمیت قرآن، عابدترین مردم... و برخی از منابع کتاب عبارتند از: بحارالانوار، میزان الحکمه، اصول کافی، کنز العمال.

ساختار اصلی کتاب

عناوین اصلی کتاب عبارتند از: مقدمه، فضیلت عالم، صفات شیعه، شیعه واقعی، شیعه خالص، فضایل شیعه، مؤمن واقعی، نشانه های مؤمن، ویژگی های مؤمن، چهار ویژگی مؤمن، مقام و منزلت مؤمن، برآوردن نیاز دشمن، شخصیت انسان، نشانه های شخصیت، هدایت هماهنگ با فطرت، پاداش عفت، محاسبه نفس، مبارزه با هوای نفس، اهمیت قرآن، تلاوت قرآن، نصایح سه گانه، اعمال نیک کلیدی، ده دستور اجتماعی و خودسازی، چهار سفارش مهم، پیروز کیست؟، اصول سعادت انسان، خیر دنیا و آخرت، موعظه پیامبر صلی الله علیه و آله به ابودر، حسن عاقبت، شکر نعمت، نعمت های مخفی، نعمت سلامتی، نزدیکترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله، سخن و زبان، حکومت مهدی، ناصران دین خدا، بهترین خلاق، برترین مقام، عابدترین مردم، بهترین و بدترین معاش، قم، یکی از درهای بهشت؛

راه تبلیغ همین است که انسان چنان تقوا و ورع داشته باشد که مردم به وسیله او خدا را بشناسند و بدانند که انسان واقعی و شیعه واقعی کیست. شیعیان واقعی افرادی شجاع، صبور، پر محبت، پرهیزکار و اجتناب کننده از حرام هستند، و حبّ جاه و مقام ندارند.

برنامه های حکومت امام مهدی (عج)

مؤلف در بخشی از کتاب با بررسی احادیث مرتبط با حکومت امام زمان (عج)، اهداف و برنامه های هفت گانه آن حضرت را تحت عناوین حکومت عادلانه، رفع ظلم و جور، امنیت راه ها، شکوفایی طبیعت، سپردن امور به اهل خبره، حاکمیت دین اسلام و گرایش قلبی به اسلام تبیین کرده است.

در فرازی از اثر می خوانیم:

در مورد سالروز ولادت حضرت مهدی (عج) شادی، مجالس جشن، چراغانی و اطعام طعام و ... همه خوب است، ولی نباید به این ها بسنده کرد، بلکه باید مردم را با برنامه های حضرت آشنا کنیم و پیوند مکتبی، اخلاقی، عملی و عینی، بین حضرت مهدی (عج) و مردم ایجاد کنیم، آن هم نه فقط پیوند نیاز و حاجت.

به تازگی بعضی غلات از ناحیه مدّاحان غیر متعهد پیدا شده و در مورد ائمه و امام زمان (عج) غلو می کنند، این عمل ظاهر الفساد و کفر است.

رفق و مدارا در امر به معروف و نهی از منکر

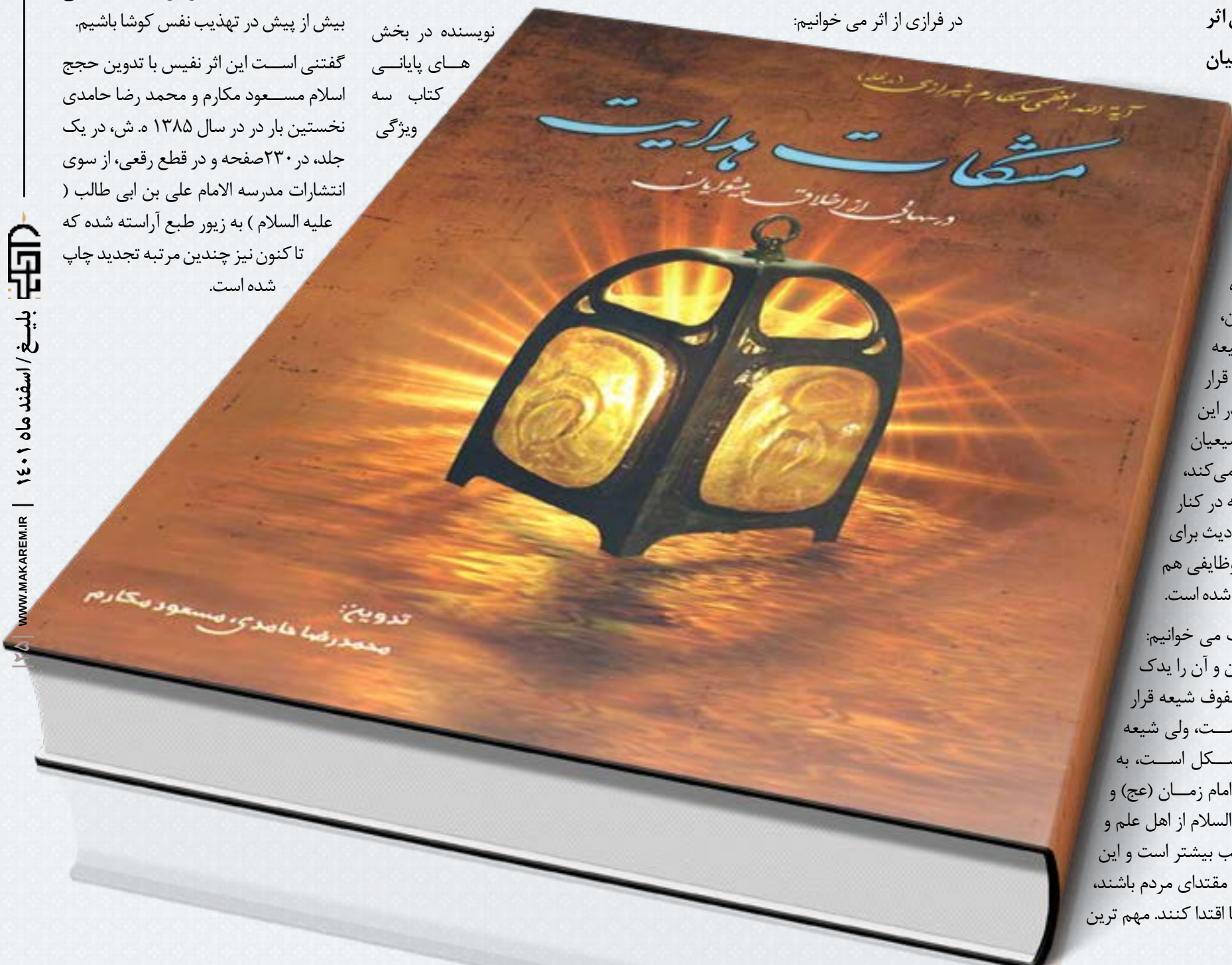
نویسنده در بخش های پایانی کتاب سه ویژگی

آمر به معروف و ناهی از منکر را بیان کرده و ضرورت تحقق آن سه اصل را مدّ نظر قرار داده است.

در فرازی از کتاب می خوانیم: بسیاری کسانی که با خشونت، بی ادبی، اهانت، تهمت و ... امر به معروف و نهی از منکر کرده و افراد را به لجبازی وادار می کنند، در حالی که اگر با ادب، برخورد نیکو و بدون تحقیر و توهین باشد، همه آن را می پذیرند.

در خاتمه باید تأکید نمود این درس ها، گنجینه و توشه گران بهایی برای تهذیب نفس بوده و اهل منبر و وعظ می توانند برای پربار کردن سخنان خود از آن بهره گیرند. امید است با استفاده از این مباحث اخلاقی بیش از پیش در تهذیب نفس کوشا باشیم.

گفتنی است این اثر نفیس با تدوین حجج اسلام مسعود مکارم و محمد رضا حامدی نخستین بار در سال ۱۳۸۵ ه. ش، در یک جلد، در ۲۳۰ صفحه و در قطع رقعی، از سوی انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام) به زیور طبع آراسته شده که تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.



پیشینه حجاب در ملل و اقوام مختلف؟

پرسش:

آیا حجاب و پوشش بانوان در میان اقوام و ملل گذشته سابقه ای دارد؟

پاسخ اجمالی:

مطالعه تاریخ پوشش اقوام گذشته نشان می دهد که پوشیدن لباس برای پرهیز از زشتی فرهنگی نقش مهمی برای آنها داشته است. برای نمونه در ایران باستان همواره در میان تمامی اقوام، پوشیدن لباس بلند و گشاد برای زنان مرسوم بود. زنان حوزه مدیترانه و یونان و آسیای صغیر نیز حداقل هنگام خروج از منازل و حضور در بازارها، صورت های شان را می پوشاندند. در انگلستان موهای زنان در زیر روسری هایی از جنس کتان مخفی می شد و جامه های بلند و جوراب های ضخیم، ساق زنان را می پوشاند. در اسپانیا زنان از کالسکه های دربسته برای تردد استفاده می کردند و روی شلوارهای شان نیز بعضاً دامن هایی پرچین به تن می کردند. در فرانسه موها اغلب در کیسه ای ابریشمی پنهان می شد و هنگام سوارکاری یا پیاده روی، علاوه بر استفاده از شلوارهای کتان، بر چهره ماسک هم کشیده می شد.

پاسخ تفصیلی:

مقدمه:

کاوش های تاریخی و متون به جا مانده از اعصار گذشته ثابت می کند که بشر همیشه از نوعی پوشش برای پوشاندن اعضای بدن خود استفاده می کرده است. خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره اعراف، اینگونه موهبت پوشش را به بشر یادآور می شود که: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا»؛ (ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که زشتی های [برهنگی] شما را می پوشاند و مایه زینت شماست).

یافته های باستان شناسی و هنری اعم از تندیس ها، نقاشی ها، نقوش ظروف و سکه ها و... نشان از استفاده دیرین بشر از پوشش و حجاب کامل دارند.(۱) استفاده ای که صرفاً به خاطر محافظت از سرما یا گرما نبوده و پرهیز از زشتی های فرهنگی نیز نقش مهم و پررنگی در آن داشته است؛ چرا که در نواحی ای که دارای آب و هوای معتدل بوده اند نیز به انحای مختلف، مورد استفاده قرار می گرفته است. میزان پوشیدگی این لباس ها هم به حکم حیای درونی انسان ها، در لباس های زنانه، عموماً بیشتر از تن پوش های مردانه بوده است. بررسی پوشش های برخی ملل و اقوام، این موضوع را روشن تر می کند.

عربستان پیش از اسلام

اعراب برای هر نوع پیش آمدی لباس خاصی بر تن می کردند. البته این نوع پوشش مختص قشر خاص و ثروتمندان بود. عامه مردم دستیابی به لباس برای شان ساده نبود؛ زیرا لباس نسبت به وضع اقتصادی شان گران قیمت بود. به همین دلیل پیکر خود را با لباس های کهنه و پوسیده و با هر آن چه که جسم را بپوشاند مستتر می کردند.(۲) در شهر مکه دختران نابالغ به محض رسیدن به بلوغ با حضور در دارالندوه که مکانی برای تصمیم گیری های مهم و اعلان عمومی بود حضور یافته و در جمع همگان، لباس های ایام کودکی خود را کنار گذاشته و لباس های بلندی به تن می کردند که بیشتر بدن آنان را پوشیده نگاه دارد و بدین صورت بلوغ و تمایل به پوشیده شدن از مردان را به همگان اعلام می کردند.(۳)

بنابراین می توان حدس زد که نوعی از حجاب برای زنان حتی پیش از بعثت نیز وجود داشته است، البته نه حجاب کامل. زنان عرب معمولاً پیراهن هایی

می پوشیدند که گریبان های شان باز بود لذا دور گردن و سینه، در معرض دید بود. روسری هایی که به سر می انداختند قسمت های پایین آن را به پشت سر می انداختند به طور طبیعی گوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان بود. مرحوم کلینی در این باره می نویسد: «زنان سراندازهای خود را از پشت گوش های شان می آویختند».(۴) البته این مسئله عمومی نبود چرا که برخی زنان و بخصوص همسران مردان بزرگ و نامدار این نوع پوشش را نیز رعایت کرده سر و گردن خود را نیز می پوشاندند. دراین باره گزارشی بدین مضمون در دست است که: «عایشه دختر عبدالرحمن در حالی که روسری نازکی بر سر داشت نزد عایشه آمد. عایشه نیز آن را پاره و به جایش روسری ضخیمی را به او داد».(۵) علاوه بر روسری استفاده از نقاب نیز امری رایج در میان زنان شبه جزیره بوده است. گزارش های بر جای مانده حکایت از آن دارد که استفاده از این وسیله نیز برای پوشش صورت از جوانان هوسران و مردان بوده است.(۶) این گزارشات به خوبی حکایت از آن دارد که زنان عرب پیش از نزول آیات حجاب و واجب شدن پوشش بر زنان، سعی در پوشاندن خویش از چشم مردان داشتند.

نتیجه مطالب فوق آن است که حجاب زنان در زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) این گونه بوده است که تمام بدن آنان در پوشش بوده، همچنین روسری به سر می انداختند، اما در برخی موارد مقداری از سینه و گردن آنان و جاهایی که محل زینت و موجب تحریک شهوت مردان است باز بود و همین امر نیز سبب نزول آیات حجاب مانند آیه ۳۱ سوره نور شد: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ قُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبَ بِخَمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»؛

(و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند، و دامن خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و [اطراف] روسری های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]). «خُمر» در اصل به معنی پوشش است ولی معمولاً به چیزی گفته می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند. «جیوب» نیز جمع «جیب» به معنای یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می گردد. از این جمله استفاده می شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها یا پشت سر می افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می شد. قرآن دستور می دهد روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.(۷)

ایران پیش از ورود اسلام

زن ایرانی همواره در تاریخ اساطیری خود دارای پوشش و حجاب بوده و آن را در شمار وظایف خود می دانسته است. شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از اصیل ترین منابع مستند تاریخ ایران، نشانه هایی از پوشش و حجاب برای زنان ارائه می دهد. به طور کلی در تمامی مواردی که از زنان در شاهنامه نام برده شده، سخن از پوشیدگی، اصالت، پاکی، راستی و نمونه کامل زنانگی آنان است. زنان شاهنامه تا زمانی که در این مسیر گام بردارند، مورد توجه و تقدیس حکیم طوس و جامعه ایرانی هستند، اگر نه منفور و طرد شده اند. در شاهنامه زن خوب و پاک، تقدیس شده و زن بد، بی حیا، بی شرم و بی نزاکت و پرده در، مورد نکوهش قرار گرفته است.(۸)

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که رعایت این پوشیدگی فقط مختص به محیط های شهری متمدن تر نبوده تا آنجا

که در فرهنگ پوششی ایل نشینان نیز نه تنها زنان به حفظ حجاب و پوشیدن لباس های بلند ملزم بوده اند، بلکه مردان نیز البسه گشاد و ساتر به تن می کردند و حتی بی کلاهی را نیز - که خود کنایه از سربستگی و پیوستگی و در پرده بودن است - برای مردان عیب و عار می شمردند.(۹)

در اشاره ای تاریخی به پوشش زنان در مهم ترین دوره های تاریخی این برهه زمانی، بر اساس یافته های باستان شناسی می توان گفت که در دوره عیلامی ها جامه های زنان تا قوزک پا می رسید.(۱۰) در دوران مادها و پارس ها جامه ها بلند و فراخ و چین دار بودند و حتی قسمتی از لباس های زنان عقب سر را می پوشاند. (۱۱) در دوره هخامنشیان، پوششی بلند شبیه به چادر(۱۲) و حتی بعضاً نقاب(۱۳) مورد استفاده برخی زنان و اشراف جامعه بوده. در دوران ساسانیان نیز لباس های زنان پیراهن هایی یکدست و بلند بود.(۱۴)

بین النهرین

سومریان قومی ساکن در میان رود دجله و فرات بودند و پیشینه آنها به ۲۵۰۰ الی ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می رسد. در این دوره تاریخی زنان روپوشی از روی شانه چپ بر بدن خود می انداختند و مردان پوشش خود را به کمر می بستند و نیمه بالاتنه شان برهنه بود. ولی با پیشرفت تمدن، لباس هم بلندتر شد و به جایی رسید که زنان همه بدن خود را تا گردن با آن می پوشانیدند.(۱۵)

زنان مغولی

درباره جایگاه زنان در جامعه مغولی، پوشش آنان در مجامع عمومی یا کار و فعالیت های بیرون خانه، نفوذشان در سلسله مراتب قدرت، نگاه مردان جنگجو به آنان و... بحث های فراوانی می توان مطرح کرد اما تمرکز ما در اینجا بر پوشش آنان است. پوششی که حداقل بعد از ورود این قوم به سرزمین ایران و بر اساس ثبت گزارش هایی از آن - در قالب تصاویر ها و

نگارگری های منقوش بر ظرف های سفالی و دیگر آثار دیگر - در موارد متعددی، بسیار بلند و دربرگیرنده اندام زنان مغولی به صورت کامل و حتی در مواردی همراه با روبنده بوده است.

در تصویری که مربوط به تشییع جنازه غازان خان، یکی از حاکمان مغولی است، حضور دو دسته از زنان چشمگیر است. در گوشه ای از این تصویر زنانی با سربندهایی بدون تزئین و مقنعه مانند و با روبندهایی که تنها بخش پایین صورت را می پوشاند، مشاهده می شوند. در گوشه ای دیگر از این تصویر، گروهی دیگر از زنان با سربندهای پارچه ای سفید و بدون روبند، در حال شیون به چشم می خورند. در تصویر دیگری که جشن جلوس یکی دیگر از حاکمان مغولی را بازتاب می دهد، خاتون مغولی و همسر اول شاه در کنار خان نمایش داده شده اند. در قسمتی از تصویر و در دو ردیف، ۲۰ نفر از همسران شاه تصویر شده اند. دو نفر از خاتون ها، درست پشت سر خاتونی که بر تخت نشسته قرار گرفته اند و به نظر می رسد مقامی بالاتر از سایر خاتون هایی که پشت سر آنها قرار گرفته اند، داشته باشند. در پایین تخت نیز تعداد دیگری از همسران شاه به تصویر کشیده شده اند. این همسران، کلاه بلند و مخصوصی به سر دارند. در تصویری دیگر که دیوانی از دیوان های مغولی را نمایش می دهد، زنان و مردان شاعر در حال سراییدن شعر، با کلاه عمامه مانند نقاشی شده اند.(۱۶)

یونان، حوزه مدیترانه و آسیای صغیر

زنان یونان، مانند سایر ملل و اقوام باستانی پوشش ویژه ای برای خود داشتند. آنها صورت و اندام شان را تا روی پا می پوشاندند. نقش هایی که از یونان باستان بر جای مانده حکایت می کند که زنان سرشان را می پوشاندند، ولی صورت های شان باز بوده است و وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بود که صورت های شان را بپوشانند. علاوه بر آن سخن درباره

واژه «حجاب»، در لابه لای کلمات قدیمی ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می خورد. حتی همسر پادشاه ایتاک با حجاب بوده است. در منطقه اسپارت نیز دختران، بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می پوشانند. حجاب در بین زنان آسیای صغیر هم وجود داشته است. در مقایسه با زنان یونانی، آنها از حجاب شدیدتری برخوردار بودند. به طوری که وقتی از خانه خارج می شدند، با چادری بلند، تمام بدن را تا روی پا می پوشاندند.(۱۷)
در تاریخ یونان، از پوشیده بودن زنان و مردان با شالی بزرگ به ابعاد تقریبی ۱۳۵ در ۲۷۰ سانتیمتر به نام «هیماتیون» نیز یاد شده است.(۱۸)

ویل دورانت، از یکی از تاریخ نویسان غربی، شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان باستان آورده است و در همین زمینه تصریح می کند که: «زنان فقط در صورتی می توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند».(۱۹)
از یکی از فلاسفه این دوران نقل شده است که نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت.(۲۰)

امپراتوری بیزانس

محدوده جغرافیایی این امپراتوری اگرچه همپوشانی هایی با محدوده جغرافیایی پیشین دارد اما با ظهور و سیطره مسیحیت بر این خطه، در پوشش زنان و مردان، تغییرات مشهودی پدید آمد. در این دوران به دلیل نفوذ مسیحیت، بدن کاملاً پوشیده می شد و مردان و زنان پیراهن های بلند با آستین هایی بلند می پوشیدند.(۲۱)
زنان روی پیراهن خود شال بلند بر دوش می کشیدند و گاهی از آن برای پوشاندن سرشان نیز استفاده می کردند.(۲۲)

روم باستان و ایتالیا

در روم باستان و تا سال های اول ظهور مسیحیت، پارچه ای پشمین و بلند به ابعاد تقریبی ۲۲۵ در ۵۴۰ سانتیمتر برای پوشاندن بدن و پیچیده شدن دور

آن استفاده می شد.(۲۳)
در قرون میانه اما یکی از پرکاربردترین لباس های ایتالیا برای زنان نوعی تونیک بود که تا روی پا می آمد. روی آن نیز پوشش ردامانندی قرار می گرفت که از روی شانه ها به جلو آمده با قلاب یا سنجاق سینه بزرگ بسته می شد.(۲۴)
در این دوران زنان، پوششی نیز برای سرشان داشتند که پارچه ای بود به شکل مستطیل یا نیم دایره که روی سر می انداختند و تا شانه ها و یا پایین تر از آن را می پوشاند. اغلب زنان ثروتمند تاج خود را روی این پارچه که طرح های دوختی مشخصی نیز داشت، بر سر می گذاشتند.(۲۵)
در یکی از شهرهای ایتالیا یعنی ونیز، کلاه هایی به شکل عمامه، برگرفته از دوران بیزانس مورد استفاده خانم ها بود.(۲۶)

تأثیر رنسانس بر لباس مردان بیش از زنان بود. در اوایل این دوران، پوشاک زنان بیشتر تحت تأثیر اندیشه های مذهبی یا سنتی بود. به دلیل گسترش صنعت چاپ در نیمه سده پانزدهم، مدارک معتبری به دست آمده که می تواند راهنمای شناخت دقیق پوشاک آن دوران باشد (۲۷)

انگلستان

در قرون اولیه، مردان و زنان انگلیسی از همان لباس هایی استفاده می کردند که طرح اصلی شان، همان لباس های یونانی و رومی با سه لایه لباس زیر، لباس رو و شنل بود.(۲۸)
در این دوران زنان موی شان را زیر روسری هایی که بعضاً جنس شان از کتان بود پنهان می کردند. این روسری ضمن پوشاندن سر، به دور گردن پیچیده می شد و زنانی که تاج بر سر می گذاشتند نیز، تاج را بر روی این پوشش سر می نهادند.(۲۹)

در دوران رنسانس زنان حق نداشتند در تماشاخانه ها روی صحنه بیایند و نقش آنها را پسران ایفا می کردند.(۳۰)
در این دوران جامه های بلند زنان ساق پاها را می پوشاند. پوشیدن جوراب های ابریشمی به وسیله ملکه مرسوم شد و زنها دامن ها را

روی زمین می کشیدند.(۳۱)
زنان تا سال نیمه های قرن شانزدهم از پوششی برای سرشان استفاده می کردند که تمام موی شان را می پوشاند. علاوه بر آن از شنل های بلند جلو باز و ردهای بزرگ و گشاد نیز استفاده می شد.(۳۲)
زنان بهره مند از مراتب اجتماعی، به هنگام حضور در مجامع عمومی، از ماسک مشکی رنگ نیز استفاده می کردند.(۳۳)

در قرن هفدهم دامن های زنان بلند و پف دار بود و آستین لباس های شان نیز تا آرنج یا مچ دست های شان می رسید.(۳۴)
در طراحی لباسی برای سوارکاری زنان در این دوره، به بلند بودن قسمت بالایی و کت مانند آن و نیز گشاد و بلند بودن دامن آن در قسمت زیرین توجه شد.(۳۵)

در قرن نوزدهم زنان انگلیسی برای دیده نشدن اندام شان، چندین زیردامنی به تن می کردند و روی یقه باز پیراهن های شان نیز از چندین ردیف تور چین دار استفاده می کردند.(۳۶)
در آن زمان زنان لوازم آرایش مصرف نمی کردند.(۳۷)

اسپانیا

در این سرزمین در قرون میانه نمونه های اولیه لباس ها ساده از دو قطعه تشکیل یافته بود. یکی بلند تا مچ پا و بدون آستین و دیگری که روی آن پوشیده می شد گشادتر با آستین های بلند و فراخ و کمربند. پیراهنی نیز به آن متصل می گردید. مردان و زنان معمولال علاوه بر پوشش های فوق، شلوار نیز می پوشیدند. زنان روی آن شلوارها بعضاً از دامن ها پرچین و کوتاه تا زانو نیز استفاده می کردند. گزارش هایی نیز وجود دارد که از استفاده گروهی از زنان این سرزمین از پارچه بلندی شبیه چادر نیز حکایت می کند. چادری بلند که تنها شکافی برای دیدن داشت.(۳۸)

در میانه های قرن شانزدهم، زنان نه تنها با انگیزه مذهبی و قانونی بلکه به خاطر شرافت خانوادگی شان نیز بر حفظ حفظ و پوشیدگی شان مداومت می ورزیدند.

در این دوره زنان عفیف کالسکه های درسته تردد می کردند(۳۹) و با استفاده از زیردامنی های چتری مانند‌ی که میان زنان کم طرفدار هم نبود، قسمت پایینی اندام آنها چندان مشخص نمی گردید.(۴۰)
وجود و حضور مسلمانان در مجاورت مسیحیان در این دوره، موجب رعایت حجاب در مکان های عمومی نیز شده بود.(۴۱)

فرانسه

در فرانسه و در قرون میانه مردان و زنان فرانسوی از لباس های طرح رومی استفاده می کردند. در این دوره زنان انتهای شنل های خود را به دست می گرفتند یا آن را به دور بدن می پیچیدند. در سده پانزدهم سر پوش عمامه شکلی نیز از سوی زنان استفاده می شد که موها را به طور کامل می پوشاند.(۴۲)

در دوران رنسانی دو نوع شنل برای زنان وجود داشت که هر دو فراخ و دارای حلقه آستین های گشاد بود.(۴۳)
زنان، موی های شان را از میان سر باز و در پشت گردن می بستند اما موها اغلب در کیسه ای ابریشمی پنهان می ماند. زن های اشراف شنلی از پارچه مرغوب داشتند که به دور اندام خود می پیچیدند و با قلاب، تسمه و زبانه یا سنجاق سینه آن را در جلوی گردن می بستند.(۴۴)
ماسک مخمل سیاهی نیز مورد استفاده زنان – حتی مردان – بود که خارج منزل، و در تاثیر برای پنهان ساختن هویت شان بر چهره می زدند.(۴۵)

در نیمه دوم سده شانزدهم تمام زنان از یک نوع ردا استفاده می کردند. ردایی بلند تا لبه ی پایین دامن، یقه دار، با آستین های کوتاه پف دار، که فقط یقه آن با قلاب بسته می شد.(۴۶)

در قرن هفدهم زنان زیر دامن های گشاد پیراهن های شان که تا زمین هم کشیده می شد، زیردامنی چتری مانند‌ی را نیز به تن می کردند و هنگام سوارکاری یا پیاده روی بر چهره ی خود ماسک می

زدند.(۴۷)
دامن ها بلند و پر چین بود و نوعی رودامنی نیز پوشیده می شد که به آن «مانتو» گفته می شد.(۴۸)
برخی از این مانتوها، شنل های نسبتاً بلند به صورت های گوناگون بودند که روی شانه نیز انداخته می شدند.(۴۹)

در قرن هیجدهم شال هایی به شکل ردا برای زنان مورد استفاده قرار گرفت. نوع تابستانی آن کوتاه و زمستانی آن بلند بود. برخی از آنها سوراخی برای بیرون آوردن دست و بعضی، سرپوشی از پارچه نرم داشت. در نوع بلند زمستانی آن، قسمت جلویی اش با دکمه بسته می شد. نوع تابستانی اش نیز روی سر انداخته و به حالت آزاد در جلو گردن بسته می شد. و یا دو سر آن از روی سینه به شکل ضربدر به پشت سر برده شده و به هم بسته می شد.(۵۰)

در سال های میانی دهه چهل قرن بیستم، زنان همراه با لباس شب، روسری شرقی را به شکل عمامه به دور سر می پیچیدند. (۵۱)
لباس سوارکاری شان نیز شامل کت و دامنی بود از پارچه دودی، بلند و پر چین همراه با کتی کوتاه. زیر کت پیراهنی با دامنی بلند پوشیده می شد. زیر دامن، چندین زیر دامنی و همچنین شلوار‌ی از کتان پوشیده می شد.(۵۲)

بعداز ملاحظه همه این موارد و گزارش ها، شاید بتوان به این جمع بندی رسید که اشتراک اقوام و ملل مختلف جهان در طول تاریخ در پوشیدگی زنان، امری ذاتی و برآمده از فطرت انسانی و سرشت عفت جوی آنها بوده و در نتیجه ترویج فرهنگ برهنگی، در سده اخیر موضوعی کاملاً در تضاد با آن فطرت و سرشت به نظر می آید.

پی نوشت:

(۱). تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، ترنرویل کاکس، روت، بزرگهر، شیرین، نشر توس، تهران، ۱۳۹۷هـ ش، ص ۱۱.

(۲). المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، علی، جواد، دار الساقی، بیروت، ۱۴۲۲هـ ق، الطبعة الرابعة، ج ۹، ص ۴۷.

(۳). الطبقات الکبری، ابن ساعد، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منیع الهاشمی، المحقق: إحسان، عباس، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۸م، الطبعة الأولى، ج ۱، ص ۷۰.

(۴). الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷هـ ق، چاپ چهارم، ج ۵، ص ۵۲۱.

(۵). الموطأ، مالک بن أنس بن مالک بن عامر الأصبجی المدنی، المحقق: محمد مصطفی الأعظمی، مؤسسة زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریة والإنسانیة، أبو ظبی، ۲۰۰۴م، الطبعة الأولى، ج ۵، ص ۱۳۳۹.

(۶). المنئق فی أخبار قریش، محمد بن حبيب بن أمیة بن عمرو الهاشمی، بالولاء، أبو جعفر البغدادی، المحقق: خورشید احمد فاروق، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۸۵م، الطبعة الأولى، ج ۱، ص ۱۶۳.

(۷). تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱هـ ش، چاپ دهم، ج ۱۴ ص ۴۴۰.

(۸). مقاله «نگاهی بر سبیر تاریخی حجاب زنان در فرهنگ ایران(از عهد باستان تا دوران قاجار)»، موسوی، سید قاسم، فصلنامه فرهنگ، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۸هـ ش، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

(۹). مقاله «پوشش زنان در ایران پیش از اسلام»، جمالی زاده، احمد، نشریه علمی ترویجی مطالعات ایرانی، بهار ۱۳۸۹هـ ش، شماره ۱۷، ص ۷۰.

(۱۰). مقاله «پوشش زنان در ایران پیش از اسلام»، همان، ص ۷۷. (۱۱). همان، ص ۷۹.

(۱۲). دایره المعارف زن ایرانی، به سرپرستی: اجتهادی، مصطفی، بنیاد دانش‌نامه بزرگ فارسی، تهران، ۱۳۸۲هـ ش، ص ۳۷۲.

(۱۳). از زبان داریوش، کخ، هایدماری، ترجمه: رجبی، پرویز، انتشارات کارنگ، تهران، ۱۳۸۲هـ ش، ص ۲۸۳.

(۱۴). مقاله «پوشش زنان در ایران پیش از اسلام»، همان، ص ۸۲.

(۱۵). مقاله «پوشش زنان در ایران پیش از اسلام»، همان، ص ۷۷.

(۱۶). مقاله «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتون ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده های باستانشناسی»، بهرامی نهادفر، مرتضی، شکرى، طاهره، اسکندری، نصیر، حیدری باباکمال، بدالله، فصلنامه تخصصی زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۵۰ و ۵۱.

(۱۷). دائرة المعارف قرن بیستم، وجدی، محمدفرید، چاپخانه دایرة المعارف قرآن، قاهره، بی تا، ص ۳۳۵.

(۱۸). تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، همان، ص ۴۱.

(۱۹). تاریخ تمدن، دورانت، ویلیام جیمز، ترجمه: آرام، احمد، نشر اقبال، تهران، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۳۴۲.

(۲۰). همان، ص ۳۴۱.

(۲۱). تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، همان، ص ۶۲.

(۲۲). همان، ص ۶۴.

(۲۳). همان، ص ۴۷.

(۲۴). همان، ص ۶۶.

(۲۵). همان، ص ۶۸.

(۲۶). همان، ص ۶۹.

(۲۷). همان، ص ۹۹.

(۲۸). همان، ص ۹۱.

(۲۹). همان، ص ۸۷.

(۳۰). تاریخ تمدن، همان، ج ۷، ص ۹۶.

(۳۱). همان، ص ۶۸.

(۳۲). تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، همان، ۱۵۷.

(۳۳). همان، ۱۷۴.

(۳۴). همان، ص ۱۹۲.

(۳۵). همان، ص ۲۳۱.

(۳۶). همان، ص ۳۰۹.

(۳۷). همان، ص ۹۵.

(۳۸). همان، ص ۱۳۸.

(۳۹). تاریخ تمدن، همان، ج ۷، ص ۳۲۶.

(۴۰). تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، همان، ص ۱۴۳.

(۴۱). همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

(۴۲). همان، ص ۷۸.

(۴۳). همان، ص ۱۱۳.

(۴۴). همان، ص ۱۱۴.

(۴۵). همان، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

(۴۶). همان، ۱۳۱.

(۴۷). همان، ۲۰۴.

(۴۸). همان، ۲۱۰.

(۴۹). همان، ص ۱۸۱.

(۵۰). همان، ص ۲۴۲.

(۵۱). همان، ص ۳۲۳.

(۵۲). همان، ص ۳۳۴.

مبطلات اعتکاف

مبطلات اعتکاف را بیان فرمایید؟

امور زیر باطل کننده اعتکاف است: ۱. تمام چیزهایی که روزه را باطل می کند، چنانچه در روز انجام شود. ۲. آمیزش با همسر، چه در روز باشد و چه در شب. ۳. ارتکاب سایر محرمات اعتکاف؛ نظیر خرید و فروش و استشمام عطریات و بوهای خوش، بنابر احتیاط واجب، بلکه خالی از قوّت نیست.

حکم ارتکاب سهوی محرمات باطل کننده اعتکاف

چنانچه معتکف یکی از محرمات باطل کننده اعتکاف را از روی سهو یا فراموشی انجام دهد چه حکمی دارد؟

در فرض سؤال اعتکاف او خالی از اشکالی نیست.

وظیفه معتکف در صورت آمیزش جنسی

اگر انسان در هنگام اعتکاف، آمیزش جنسی کند وظیفه او چیست؟

اگر معتکف آمیزش جنسی کند هر چند از روی فراموشی باشد، چنانچه اعتکاف واجب باشد باید پس از اتمام آن،

در صورتی که وقت آن محدود بوده، قضای آن را بجا آورد، و اگر وقتش وسیع است، بنابر احتیاط واجب آن را از نو شروع کند، و اگر مستحب بوده، آن را تمام کند و قضا ندارد.

وظیفه معتکف در صورت ارتکاب مبطلات اعتکاف

اگر معتکف، یکی از مبطلات اعتکاف را مرتکب گردد چه وظیفه ای دارد؟

هرگاه انسان، اعتکاف خود را به سبب ارتکاب یکی از مبطلات اعتکاف باطل کند چنانچه آن اعتکاف واجب معین بود (و وقت آن گذشته) باید قضای آن را بجا آورد، و اگر واجب غیر معین بوده، باید آن را دوباره انجام دهد، مگر اینکه به هنگام نیت اعتکاف یا اجرای صیغه نذر شرط رجوع کرده باشد، که در این صورت نیازی به قضا یا اعاده آن نیست. و اگر اعتکافش واجب نبوده، ولی در روز سوم آن را باطل کرده، در اینجا نیز باید قضای آن را بجا آورد، اما اگر در روز اوّل و دوم (قبل از تکمیل دو روز) بوده، وظیفه ای ندارد.

عدم فوریت قضای اعتکاف

آیا به جا آوردن قضای اعتکاف، واجب فوری می باشد؟
قضای اعتکاف، واجب فوری نیست؛ هر چند انجام آن در اولین فرصت مطابق احتیاط است.

عدم وجوب قضای اعتکاف نذری میّت بر ولیّ او

اگر معتکف در حین اعتکاف نذری یا مانند آن که واجب شده است بمیرد؛ قضای آن بر ولیّ میّت واجب است؟

هرگاه معتکف در اثنای اعتکافی که به سبب نذر یا مانند آن واجب شده از دنیا برود، قضای آن بر ولیّ میّت واجب نیست؛ هر چند مطابق احتیاط است.

حکم بطلان اعتکاف با زنا و شراب خواری در شب

آیا ارتکاب حرام مانند زنا و شراب خواری در شب موجب بطلان اعتکاف می باشد؟

زنا کردن موجب بطلان اعتکاف است و مشروب خوردن بنابر احتیاط واجب موجب بطلان اعتکاف است.

حکم نگاه حرام در زمان اعتکاف

آیا نگاه شهوت انگیز موجب بطلان اعتکاف می شود؟

موجب بطلان اعتکاف نمی شود.

محرمات اعتکاف که مبطل آن نیز هستند

کدام يك از محرمات اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می شود؟

پنج چیز بر معتکف حرام است: ۱. تمتّع از همسر، خواه جماع باشد یا لمس و بوسیدن، بنابر احتیاط. ۲. استمنا بنابر احتیاط؛ هر چند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبه با همسر. ۳. بوییدن عطریات و بوهای خوش؛ هر چند به قصد لذّت نباشد. ۴. خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت با نبودن ضرورت بنابر احتیاط؛ ولی پرداختن به امور مباح دنیوی مانند خیاطی و امثال آن اشکال ندارد. ۵. جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت. و هر يك از امور فوق اعتکاف را باطل می کند.

باطل شدن اعتکاف بسبب باطل شدن روزه معتکف

اگر روزه معتکف باطل شود، آیا اعتکافش نیز باطل می گردد؟

آری! اعتکاف او هم باطل می شود.

